

رهنمودهای قرآنی در رفع توهمات انسانی

دکتر پروین بهارزاده^۱ - دکتر مرضیه محمص^۲ - زهرا قوتی^۳

چکیده

"قوه خیال" یکی از نعمت‌های الهی و ابزارهای ادراکات انسانی است که مانند دیگر نعمت‌ها اگر به‌طور شایسته مورد بهره‌برداری قرار نگیرد و به‌خوبی مدیریت نشود، تأثیرات مخربی در نگرش انسان و سرنوشت او خواهد داشت. «توهم در علم روان‌شناسی یکی از اختلالات روانی و به معنای ادراک یا احساسی است که با واقعیت و حقیقت مطابقت ندارد. در قرآن کریم واژه "توهم" به کار نرفته است، لیکن به نظر می‌رسد از واژگانی همچون: ظن، حسب و زعم برای تداعی مفهوم توهم استفاده شده است. تحقیق نشان می‌دهد که قرآن کریم بر گونه‌های توهم در انسان، همانند: دوگانه‌انگاری در ربوبیت، بیهوده‌انگاری آفرینش، دنیا‌بسندگی و خودبرتربینی تأکید داشته و راهکارهایی را در زدودن انواع توهم ارائه نموده است. این راهکارها بر اساس دو روش شناختی و رفتاری استوار است. از مهم‌ترین رهنمودهای ارائه شده بر اساس روش شناختی می‌توان به اصلاح نگرش، هشداردهی، تأکید بر آینده‌نگری و تشویق به واقعیت‌گرایی و در روش رفتاری به ارائه الگوی عینی و مجازات‌دهی اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن و توهم‌زدایی، خطای ادراکی، اصلاح نگرش، واقعیت‌گرایی، آینده‌نگری، ظن، زعم.

bahar-p@alzahra.ac.ir

۱. استادیار دانشگاه الزهراء (ع)

M - Mohases@sbu.sc.ir

۲. استادیار دانشگاه شهید بهشتی (ره)

Zahra.ghovati124@gmail.Com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء (ع)

دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۳

مقدمه

مقوله تربیت از نیازهای ابتدایی و اساسی زندگی بشری است. انسان در پرتو تربیت درست است که به عنوان موجودی هدفمند و اندیشه‌ور به اهداف و آرمان‌های خود می‌رسد و قله رفیع سعادت مطلوب خویش را فتح می‌کند. به واقع تربیت، فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعداد‌های انسان در جهت مطلوب است. یکی از ویژگی‌های اصلی تربیت اسلامی، تکیه بر عقل و پرورش این قوه عقلانی است، به گونه‌ای که برخی براین باورند از ویژگی‌های اصلی تربیت اسلامی، تکیه بر عقل است (جوادی آملی، بی تا: ۳۶۴/۱۶).

انسان برای پیمودن راه تکامل، به هدایت و تربیت عقلانی نیاز دارد. تربیت عقلانی به معنای ایجاد شرایط مناسب برای پرورش قوه تفکر انسان بسیار حائز اهمیت است؛ از این رو قرآن کریم به عنوان آخرین نسخه هدایت بشری، هرآنچه را برای نیل به بهروزی و سعادت‌مندی نهایی انسان لازم است به روشنی بیان می‌کند. هدف اصلی و اساسی قرآن کریم، تعلیم و تربیت قوه تفکر انسان است؛ قوه‌ای که انسان با پرورش و به‌کارگیری آن، از قدم گذاردن در وادی جهل و ضلالت فاصله گرفته، به کمال و سعادت خواهد رسید. مباحث توحید (خداشناسی)، معاد (بازگشت انسان به خالق یکتا) و... همگی برای سوق دادن انسان به سعادت و کمال است. قرآن کریم ارائه‌کننده تصویر انسان کامل در منظومه باورهای اسلامی است. در این ساختار، دستیابی به حیات پر معنا و هدفمند الهی به ساماندهی ادراکات محسوس و معقول بستگی دارد. "قوه خیال" یکی از نعمت‌های الهی و ابزارهای ادراک نهادینه در وجود انسان است که مانند دیگر نعمت‌های خداوندی اگر به شکل شایسته مدیریت نشود، تأثیرات زیان‌باری در نگرش انسان و سرنوشت او خواهد داشت. از این رو "وهم" در بروز خطاهای ادراکی و افعال تابع آن، نقشی اساسی دارد. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ‌گویی به دو سؤال برآمده است:

- ۱- انواع توهمات انسانی بر مبنای آیات قرآنی کدام‌اند؟
- ۲- قرآن کریم از چه روش‌ها و راهکارهایی برای زدودن انواع توهم استفاده کرده است؟ توهم از منظر آیات قرآنی تاکنون مورد توجه محققان قرآنی صورت نگرفته است.

پیشینه موضوع

محققان علوم قرآنی تاکنون به مفهوم «توهم» از منظر آیات قرآنی به طور مستقل نپرداخته‌اند. تنها قوه واهمه و خیال به نوعی موضوع مقاله‌های چندی بوده است؛ از جمله «قوه واهمه و نسبت آن با سایر قوای نفس با تأکید بر آرای ابن سینا»، نگارش نصرالله شاملی و وحیده حداد؛ (مجله آینه معرفت، ش ۲۹، زمستان ۱۳۹۰ش)؛ «نقش عوامل معنوی در معرفت با تکیه بر قوه وهم از نگاه ملاصدرا»، نگارش رضا محمدزاده و عباسعلی منصوری، (پژوهشنامه فلسفه دین (نامه حکمت)، ش ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۱ش) و «تحلیل جایگاه خیال و وهم در گستره ادراکات و افعال انسان از منظر صدر المتألهین»، نگارش مهران رضایی و دیگران (مجله حکمت صدرایی، ش ۲، تابستان ۱۳۹۲ش). از این منظر موضوع مقاله، بدیع و برخوردار از نوآوری است.

۱- واژه‌شناسی

یکی از گام‌های مهم در شناخت واژگان قرآنی، بررسی معنای لغوی است. واژه «وهم» به معنای به خطا افتادن و در باب‌هایی نظیر: افعال (أوهم)، تَفَعَّل (توهّم) و افتعال (اتّهام) متضمن معانی: غفلت کردن و نادیده انگاشتن چیزی، خیال‌پردازی و تصور غیر واقعی و مشکوک بوده و جمع آن «اوهام»، «وهُوم» و «وهُم» است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۰۰؛ ابن درید، بی تا: ۲/ ۹۹۴؛ ازهری، بی تا: ۶/ ۲۴۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶/ ۱۹۴؛ جوهری، ۱۳۷۴: ۵/ ۲۰۵۴؛ ابن منظور، ۱۳۷۴: ۱۲/ ۶۶۳؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۲/ ۶۷۴؛ فیروزآبادی، بی تا: ۴/ ۱۶۵؛ زبیدی، بی تا: ۱۷/ ۷۳۵).

در علم روان‌شناسی توهم، یک نشانه اساسی در اختلالات روانی به شمار آمده که نیازمند علت یابی، بررسی و تشخیص است. توهم به معنای پریشان‌پنداری و حالتی از

تغییر هوشیاری است. بر این اساس، فرد موضوعاتی را احساس و ادراک می‌کند که مطابق با واقعیت نیستند، ولی فرد مبتلا به توهم آنها را واقعی می‌پندارد و برواقعی بودن آنها پافشاری می‌کند. از منظر روان‌شناسی، توهم به چهار بخش اساسی تقسیم می‌شود، که عبارت‌اند از:

الف. توهم شنیداری: فرد مبتلا به این نوع توهم در حقیقت صداهایی را می‌شنود که وجود خارجی ندارند. اقدام به انجام کارهای خطرناک، همانند: ضرب و جرح و آتش‌سوزی از سوی این فرد متوهم امکان‌پذیر است.

ب. توهم دیداری: فردی که به این نوع توهم دچار شده است، تصاویری را مشاهده می‌کند که واقعیت عینی ندارد، ولی او آنها را واقعی می‌پندارد.

ج. توهم بویایی: در این نوع اختلال، فرد بوهای غیر واقعی را استشمام می‌کند، که بیشتر آنها آزاردهنده است.

د. توهم لمسی: در این نوع پریشان‌حالی ممکن است فرد احساس کند، حشراتی روی بدن او در حال راه رفتن هستند، که به شدت او را می‌آزارد. (پور افکاری، ۱۳۹۴: ۳۷).

در نگاه فیلسوفان و عارفان، «وهم» در مقابل «عقل» قرار دارد؛ عقل را مُدرک معانی کلی و وهم را مُدرک معانی جزئی دانسته‌اند. به تعبیر فلاسفه وهم، عقل ساقط است؛ یعنی قوه واهمه مرتبه‌ای پایین‌تر از عقل است. (حسن زاده آملی، ۱۳۷۸: ۵۵۵). قوه «وهم» در ایجاد خطاهای ادراکی انسان نقش اساسی دارد. آمیختگی «وهم» با خطاهای ادراکی بدان حدی است که در معرفت‌شناسی قدیم نام قوه «واهمه» در بسیاری امور، همراه با بار معنایی (خطای ادراکی) بوده است. (سهروردی، بی تا: ۲/ ۴۲؛ ابن عربی ۱۴۱۲: ۳/ ۳۶۵).

۲- واژگان هم معنا با توهم در آیات قرآنی

در قرآن کریم، واژه (توهم، وهم) کاربرد نداشته، بلکه مصادیقی همچون: ظن، حسب، زعم، زین، جعل و أخذ، در برخی از لایه‌های معنایی تداعی‌کننده مفهوم توهم هستند.

۱-۲- ظن

جمهور اهل لغت، ظن را از لغات اضداد بر شمرده، معتقد هستند واژه ظن در معنای گمان بد، شک و به معنای یقین نیز به کار رفته است.^۱ در اصطلاح ظن به معنای حدیث نفس و خطور خاطری است که از درجه توهم تا درجه علم پیش می رود، چه شواهد بر این ظن کافی باشد، چه نباشد.^۲

مفهوم ظن در آیات قرآنی مشتمل بر دو معنای کلی است: نوع اول: یقین^۳؛ نوع دوم: فهم مخالف با واقع است.^۴ فهم مخالف با واقع خود بر سه قسم تفکیک پذیر است: ظنی که گناه محسوب شده^۵؛ ظن غیر کاشف^۶ و ظن محکوم و غیر قابل پذیرش^۷ (جعفری، ۱۳۶۳: ۳۶۱-۳۶۲).

۲-۲- حسب

«حسب» در اصل به معنای کفایت کردن و شمارش کردن است. این واژه در برخی از لایه های معنایی، شامل؛ پنداشتن، خیال کردن و گمان کردن می باشد.^۸ (ابن درید، بی تا: ۲۷۷/۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵۹/۲؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۱۳۴/۲؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳۹/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۹: ۲۳۲).

۱. فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۵۱/۸؛ جوهری، بی تا: ۲۱۶۰/۶؛ ابن منظور، ۱۳۷۴: ۲۷۲/۱۳.

۲. سهرابی فر، بی تا: ۵۳.

۳. ﴿الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره / ۴۶).

۴. ﴿وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (فصلت / ۲۳).

۵. ﴿وَيُعَذِّبُ الْمُتَنَفِّقِينَ وَالْمُتَنَفِّقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَعَصِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ (فتح / ۶).

۶. ﴿يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (اسراء / ۵۲).

۷. ﴿وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾ (يونس / ۳۶).

۸. بنگرید به: بقره / ۲۱۴.

۲-۳- زعم

اهل لغت زعم را به معنایی از جمله: سخن باطل و دروغ، گمان، اعتقاد و خیال باطل، دروغ پنداری یا دروغ گفتاری دانسته‌اند. بیشترین کاربرد زعم درباره امری است که در آن تردید، دروغ یا باطل محرز شده است.^۱ (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۶۳/۱؛ ابن درید، بی تا: ۸۱۶/۲؛ ازهری، بی تا: ۹۳/۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۰/۳؛ جوهری، ۱۳۷۴: ۳۱۶/۱۶؛ ابن منظور، ۱۳۷۴: ۳۶۴/۱۲؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۲۵۳/۲؛ فیروزآبادی، بی تا: ۷۸/۴؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۷۸/۶).

۲-۴- زین

زین یکی دیگر از واژگانی است که در برخی از لایه‌های معنایی مفهوم توهم را تداعی می‌کند و در لغت به معنای زینت بخشیدن و آرایش است.^۲ (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷/۳۸۷؛ ابن درید، بی تا: ۸۳۱/۲؛ ازهری، بی تا: ۱۶۵/۱۳؛ جوهری، ۱۳۷۴: ۱۸/۲۵۵؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۲۵۳/۲؛ فیروزآبادی، بی تا: ۲۲۵/۴؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۲۶۱/۶).

۲-۵- أخذ

أخذ: گرفتن. مصادیق واژه أخذ متفاوت است، ولی در همه آنها معنای نخستین (گرفتن) محفوظ می‌باشد؛ مانند: أخذ پیمان، أخذ به عذاب.^۳

۲-۶- جعل

جعل از لحاظ معنایی به پنج نوع تقسیم پذیراست: ۱- ایجاد کردن؛^۴ ۲- آفریدن؛^۵

۱. بنگرید به: تغابن / ۷.

۲. بنگرید به: بقره / ۱۶۵.

۳. بنگرید به: بقره / ۱۶۵.

۴. «وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُوْنِ اُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ» (نحل / ۷۸).

۵. «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ بَيْنَ وَحَفْدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ اَفِالْبَاطِلِ

۳- ویژگی دادن؛ ۴- حکم کردن؛ ۵- گاه به معنای حکم باطل؛ ۶- در برخی از آیات گویای معنای توهم است.^۴

۲- ۷- امانی

امنیه به معنای آرزویی است که برپایه دروغ، گمان و حدس استوار بوده، به گمراهی انسان می‌انجامد.^۵ (راغب اصفهانی، ۱۳۷۹: ۲۶۰، مصطفوی ۱۳۷۵: ۲/۴۰).

۳- انواع توهّمات انسانی

میزان ارزش و اصالت انسان، به بینش، آگاهی و انتخاب راه‌هایی بستگی دارد که در مقابل آنها قرار می‌گیرد. نعمت‌هایی همچون عقل، اختیار، آزادی و اراده، انسان را از دیگر موجودات متمایز کرده است. با این حال، هرگاه از توانایی‌هایی یادشده به گونه نادرستی استفاده شود، ممکن است انسان به خطای ادراکی دچار شود و در وادی نابودی قرار گیرد. توهّمات انسانی، بر مبنای آیات قرآنی، به چند نوع تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: دانایی، دوگانه‌انگاری در ربوبیت، بیهوده‌انگاری آفرینش، و... بی‌گمان

-
- يُؤْمِنُونَ وَ بِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ ﴿نحل / ۷۲﴾.
۱. ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (بقره / ۲۲).
۲. ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ (قصص / ۷).
۳. ﴿وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَ تَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكُذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنْ لَهُمُ النَّارَ وَأَنْتُمْ مُفْرَطُونَ﴾ (نحل / ۶۲).
۴. ﴿وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنْ آثَرُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ﴾ (زخرف / ۱۹).
۵. ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَتَّى أَلْفَى الشَّيْطَانَ فِي أَمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْفَى الشَّيْطَانَ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (حج / ۵۲).

هریک از این توهمات، انسان را از سعادت و کمال الهی دور می گرداند.

۳-۱- توهم دانایی

همواره دانایی و علم ستودنی بوده، ولی خود را بدون تحقق زمینه‌های دانایی، دانا به شمار آوردن از منظر قرآنی نکوهش شده است. توهم دانایی، پنداری باطل و نادرست است؛ پنداری که فرد متوهم در افکار و تخیلات خویش پرورانده و پیمودن مسیر زندگی خود را صحیح پنداشته، هرچند سرانجامی نظیر نابودی بر سرنوشت او سایه افکنده است.

قرآن کریم، انسان را به تفکر فراخوانده و آن را عبادت شمرده و اصول عقاید را تنها با تفکر منطقی صحیح می داند. (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۰۵). میل به کامیابی حداکثری، پیروی از شیطان، تقلید کورکورانه و غفلت، از علل اصلی ایجاد توهم دانایی در تفکر آدمی است. خدای متعال می فرماید: ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا * الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾ (کهف / ۱۰۳-۱۰۴).

از منظر قرآن کریم، انسانی که اعمال بیهوده خود را نیکو پندارد، فرد زیانکاری است که دلش مجذوب زینت‌ها، زخارف دنیوی و اعمال ویرانگر گشته و او را از میل به پیروی حق و شنیدن داعی آن و پذیرفتن ندای فطرت باز داشته و نزد خود پنداشته که عمل نیکویی را در راه اطاعت و قربت انجام داده است. بنابراین عمل او تباه گشته، اما از پندار باطل خود پیروی می کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳/۵۴۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۵۲/۱۲؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ۴/۲۲۹۵).

خداوند توهم دانایی را از منظری دیگر در اندیشه امت‌های پیشین معرفی می فرماید: ﴿وَعَادًا وَثَمُودَ وَ قَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ كَانُوا مُشْتَبِرِينَ﴾ (عنکبوت / ۳۸).

پیروی کورکورانه از عقاید و آداب گذشتگان بدون تفکر، همواره یکی از موانع خردورزی امت‌ها در پاسخ به دعوت پیامبران الهی بوده است. از منظر قرآن کریم باور پیشینیان تنها به دلیل تعلق به گذشته، معیار پذیرش نیست، بلکه تطابق آن با عقل و

علم حقیقی اهمیت دارد. قرآن کریم قوم عاد را نمونه تمثیلی از تفکری جاهلانه معرفی می‌کند که اعمال قبیح آنان از منظرشان نیکو جلوه نموده، زیرا شیطان بر آنان مسلط شده و از ورود به جاده حقیقت بازماندند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۲۴/۱۸؛ دروزه، ۱۴۲۹: ۲۲۷/۶؛ مغنیه، ۱۹۶۸: ۱۸۴/۶).

توهم دانایی در آیات دیگر قرآن نیز مطرح و قابل پیگیری است.^۱

مفسران بر توهم دانایی تأکید دارند؛ زیرا پیروی از هوای نفسانی مخالف با خواسته و اراده پروردگار بوده، غفلت از خداوند نتیجه‌ای جز پوشانیدن عقل ندارد و این، مانعی در رسیدن به سعادت و کمال است. قدرت، ثروت و خودآگاهی باعث می‌شوند که انسان فریفته حیات دنیوی شود و تصور نماید قدرت و توانایی او از خداوند بالاتر است و می‌پندارد اعمال زشت او از نظر پروردگار پنهان می‌ماند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۹۹/۷؛ دروزه، ۱۴۲۹: ۵۳۰/۳۰).

۳-۲- توهم دوگانه‌انگاری در ربوبیت

یکی از اهداف والای تربیت از منظر دین اسلام، توحید و پرستش پروردگار یکتاست: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات / ۵۶) اصل فلسفه «لامؤثر فی الوجود إلا الله» که همواره از سوی بزرگان فلسفه و عرفان اسلامی بیان شده است در واقع تبیین اساس اصل توحید است. نادیده‌انگاری این اصل، به شریک‌پنداری برای حضرت حق می‌انجامد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۳۷۳/۶).

از منظر قرآن مجید، انسان دارای شخصیت سالم، نگاهی توحیدی به نظام هستی دارد و آن را دارای خالق یکتا، توانا، حکیم، دانا و قابل اتکا می‌داند؛ از این رو، آرامش باطنی دارد و می‌داند که همه امور در دست قدرت الهی است. در مقابل، انسان‌هایی وجود دارند که نگاهی شرک‌آلود، منافقانه یا کفرآلود به پروردگار هستی دارند. این

۱. از جمله بنگرید به: انعام / ۱۱۶ و ۱۳۸ و ۱۵۸؛ هود / ۲۷، یونس / ۶۰، محمد / ۲۹، نور / ۱۵، زخرف / ۳۷، فرقان / ۴۴، زمر / ۴۷، فصلت / ۲۲-۲۳، بلد / ۷ و ۵، جن / ۷ و ۵، اعراف / ۶۶.

اشخاص یا دچار چندگانگی شده‌اند، یا عمق نگاهشان محدود است.

خداوند متعال درباره مشرکان می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ﴾ (بقره / ۱۶۵).

مشرک به پرستش موجودات غیر الهی نظیر: ستاره، ملائکه، شیطان و دیگر مظاهر من دون الله روی می‌آورد و از آنان اطاعت کرده، آن را تقرب جستن به پروردگار تصور می‌کند؛ زیرا کبریایی خالق در تصور او ننگنجد و قائل به الوهیت آلهه بوده و از خواهش‌های نفسانی خود پیروی کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷/۱: ۶۱۷؛ سید قطب، ۱۴۱۲/۱: ۱۵۴؛ دروزه، ۱۴۲۹/۶: ۲۲۵).

توهم دوگانه‌انگاری در ربوبیت به خوبی در آیات قرآن دیگر ترسیم شده است.^۱ مفسران براین باور هستند، هدف انسان از برگزیدن هم‌تا برای خداوند، شفاعت و حمایت از او در روز رستاخیز به هنگام حضور در دادگاه عدل الهی بوده است. به دیگر سخن، پرستش بت با هدف تقرب به خداوند و پشتیبانی از او در روز رستاخیز انجام می‌شده است. مشرک باور دارد که خداوند خالق اوست، اما تدبیر امور عالم را به خدایان دیگر وا گذاشته است. لذا خداوند را با هم‌تایانی دیگر عبادت می‌کند، زیرا عظمت خداوند در تصور انسان نمی‌گنجد. (طباطبایی، ۱۴۱۷/۷: ۴۰۷؛ دروزه، ۱۴۲۹/۴: ۴۹۴؛ سید قطب، ۱۴۱۲/۴: ۲۲۹؛ مغنیه، ۱۹۶۸/۳: ۲۶۹).

۳-۳- توهم بیهوده‌انگاری آفرینش

آفرینش انسان توسط خالق بی‌همتا با هدفی خاص صورت پذیرفته است. انسان هنگام قدم گذاردن در حیات فانی دنیوی با استفاده صحیح از قوه تفکر، پیمودن طریق سعادت و کمال را برای خود هموار می‌سازد؛ اما تفکر بیهودگی به دلیل ناامیدی بر او مسلط می‌شود. خدای متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ

۱. زمر: ۳، انعام: ۲۲، کهف: ۱۰۲، قصص: ۷۴، انعام: ۷۴، ص: ۵، فرقان: ۴۳، سبأ: ۲۲، فصلت: ۹، مریم: ۸۸.

أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿ بقره / ۱۵۴).

حیات پس از مرگ، موضوعی مهم و چالش برانگیز است که هر انسان متفکری را به اندیشیدن در این باره وادار می‌کند. انسان جاهل نزد خود پنداشته پس از مرگ هرگز به عالمی دیگر ورود نخواهد کرد و نابود خواهد شد. از منظر قرآن موت نیستی نیست، بلکه توقی و انتقال است از مکانی محدود به ورای حدود قابل تصور. لذا حیات آدمی با مرگ پایان نمی‌یابد، بلکه تداوم خواهد داشت تا «الیه راجعون» تحقق یابد. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۱/۱۴۳؛ مغنیه، ۱۹۶۸: ۱/۴۳۸؛ طالقانی، ۱۳۶۲: ۲/۲۳؛ جوادی آملی، بی‌تا: ۶۰۴/۷، ۶۰۳).

دین مسیره‌سازای انسان برای وصول به غایت کمال و رستگاری است. به عبارتی دیگر، دین بر اساس فطرت بشری تنظیم شده اما کافری که آن را ابزار بازی و افکار نادرست خود می‌پندارد، به شرک و بت پرستی گرایش می‌یابد که محتوایی پوچ دارد، اما نام دین بر آن حک شده است. خدای متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَ غَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَ مَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ﴾ (اعراف: ۵۱).
و بدین سان روز رستاخیز، انسان مشرک به علت پوچ و بیهوده انگاشتن آفرینش همه عوالم هستی و ایمان نیاوردن به این رخداد هولناک به فراموشی سپرده خواهد شد. در آیات دیگر قرآنی نیز به این توهم اشاره شده است.^۱

مفسران تأکید دارند، لهو و لعب یکی از علل توهم پوچی و بیهودگی در انسان می‌تواند باشد. از منظر لغوی "لعب" به کار بدون هدف و بدون قصد درست گفته می‌شود و "لهو" به اثری اطلاق می‌شود که انسان را مشغول کند، به گونه‌ای که دچار غفلت شده، از امر مهمی باز ماند. از نگاه تفسیری لعب، بازیچه و عملی است آگاهانه و دارای هدف، ولی هدفش حکیمانه نیست، لهو اشتغال و عملی است که باعث سرگرمی می‌شود و

۱. بنگرید به: آل عمران / ۱۶۹، نمل / ۲۴، انعام / ۴۳ و ۷۰، کهف / ۲۲، مؤمنون / ۱۱۵، جائیه / ۲۴ و ۳۲، تغابن / ۷.

نتیجه عقلایی ندارد و انسان را باز می‌دارد. تشبیه زندگی دنیا به بازی و سرگرمی از این نظر است که بازی‌ها و سرگرمی‌ها معمولاً کارهای توخالی و بی‌اساس هستند که از متن زندگی حقیقی دورند. آیین کافر، آیین شرک و بت پرستی است که محتوای آن پوچ و واهی بوده، اما با نام دین به سرگرمی و اعمال خود می‌پردازد. او در واقع به حیات دنیوی خود مغرور گشته، لقای پروردگار را انکار می‌نماید؛ زیرا به حیات اخروی اعتقادی ندارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷۹/۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۲۰۷/۵؛ مدرسی، ۱۳۷۷: ۵/۵؛ طیب، ۱۳۸۶: ۵۱/۵).

۳-۴- توهم خودبرتربینی

خودبرتربینی توهمی است مبتنی بر برترپنداشتن خود نسبت به غیر خود. خدای متعال در این باره می‌فرماید: ﴿سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعِغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ﴾ (اعراف / ۱۴۶).

علت اصلی تکبر مستکبران، فراموشی آیات الهی است که سراسر عالم هستی را فراگرفته، ولی خودبزرگ بینی، همانند پرده‌ای بر بینایی آنان سایه افکنده و مانع دیدن حقیقت گشته است. آنان بندگان خداوند و کسانی که از نظر جسمانی ضعیف هستند یا به عبارت بهتر زیردستان خود را خوار می‌شمردند و بر کفر و تکذیب خود پافشاری می‌کردند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۷/۸؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ۱۳۷۱/۳؛ دروزه، ۱۴۲۹: ۲/۴۵۵).

ادیان الهی همچون مسیحیت و یهود مانند دین اسلام دارای کتابی مقدس و الهی و فرستاده‌ای از سوی پروردگار هستند. پیروان این ادیان با تحریف کتاب های مقدس خود به اعتقادات و احکامی باطل و خرافی همچون: نسبت دادن فرزند به خداوند، اعتقاد به تثلیث، احساس پوچ و واهی برتری نسبت به دیگر امت‌ها و نژادها قائل شده‌اند. یکی از اعتقادات باطل و وهمی یهودیان این است که هرگز آتش دوزخ ایشان را لمس نخواهد کرد و اگر برخوردی داشته باشد تنها برای مدت اندکی است: ﴿وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا

أَيَّاماً مَّعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿بقره / ۸۰﴾.

این آیه شریفه نمونه‌ای از غرور، خودخواهی و خودپرستی یهود درباره روز جزا و پاداش اعمال است که نتیجه آن کتاب‌های مزورانه و غرورانگیزی می‌باشد. این تفکر و وهمی و باطل می‌تواند منشأ هر گناه و جنایتی توسط یهود باشد. امتیازی که یهود آن را برای خود طلب می‌نماید با منطق الهی سازگار نیست؛ زیرا هیچ‌گونه تفاوتی در میان انسان‌ها از لحاظ کیفیت و پاداش اعمال در پیشگاه الهی وجود ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۵/۵۰).

در آیات دیگر قرآنی نیز به توهم خودبرتربینی اشاره شده است.^۱

۳-۵- توهم دنیا پسندگی

ویژگی حیات دنیوی، زوال‌پذیری و فناشدنی است، اما زیورها و فریفتگی‌هایی را داراست که هر انسان غافلی را مجذوب خود می‌کند، به گونه‌ای که هرگز در تفکر و اعمال او رها شدن از این دنیای فانی محرز نمی‌شود. این انسان غافل چنان در زیور آلات دنیوی غرق می‌شود که می‌پندارد جاویدان خواهد بود. از منظر محققان محبت افراطی می‌تواند انسان را در درک معقولات ضعیف کند و همچنین واقعیت را مطابق با ذهن خود تبیین نماید. آنان نزد خود گمان دارند که حیات دیگری وجود ندارد، شیطان اعمال زشت و پلیدشان را در نظر آنان زیبا و نیکو جلوه می‌دهد. انسان با پیروی از هواهای نفسانی خویش چنان به دنیای فانی دل می‌بندد که دین را به سخره و بازیچه می‌گیرد. خدای متعال فرمودند: ﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَإِ﴾ (آل عمران / ۱۴).

زینت‌های مادی دنیوی به گونه‌ای است که امکان فریفتگی و وابستگی انسان به

۱. از جمله بنگرید به: بقره: ۸۰، آل عمران: ۱۸۱، مائده / ۱۷-۱۸ و ۷۳، عنکبوت / ۴، کهف: ۵۰.

وسیله تحرکات شیطانی میسر می‌گردد. سرمایه اصلی حیات انسانی فرزند، اموال و ... نیست. هرچند این‌ها مسیر سعادت انسان را برای پیمودن حیات علیایی هموار سازند، اما غفلت از آخرت، نتیجه وابستگی به اینهاست. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۴۵۷/۲؛ طالقانی، ۱۳۶۲: ۴۵/۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۱۵۰؛ قرائتی، ۱۳۷۵: ۱/۵۷۴).

مفسران به توهّم دنیا پسندگی در آیات دیگر نیز تصریح نمودند.

۳-۶- توهّم رستگاری

هنگامی که پندارها و توهّمات باطل لباس حقیقت بر تن می‌کنند، انسان را به خطا و اشتباه وادار می‌سازد، به گونه‌ای که آنها را منشأ نجات تصور می‌کند و توهّم رستگاری شکل می‌گیرد. خدای متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ حَايَةً لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ لِيُزِدُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ (آل عمران / ۱۷۸).

انسانی که غرق در گناه و عصیان است، خداوند او را به حال خود وا گذاشته تا استحقاق حداکثری مجازات را دارا باشد. سرپیچی از خداوند، شایستگی هدایت را از او سلب می‌کند. (طالقانی، ۱۳۶۲: ۵/۴۳۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۳/۱۷۸؛ قرائتی، ۱۳۷۵: ۱/۶۵۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴/۱۲۳). قرآن کریم در آیات دیگر به این مهم اشاره فرموده است.^۱

قرآن کریم به عنوان آخرین نسخه هدایت بشری، هرآنچه را که آدمی در راستای حفظ حیات و نیل به بهرورزی دنیا و سعادت آخرت لازم داشته باشد به روشنی بیان نموده است. این کتاب آسمانی، لوحی آکنده از اندیشه‌های تربیتی و اخلاقی است و به سبب اشراف پروردگار بر استعدادها و گرایش‌های انسانی، جامع‌ترین روش‌های تربیتی را دربردارد. یکی از شیوه‌های تربیتی، توهّم‌زدایی بوده که در جهت هدف غایی قرآن، همانند: پرورش نیروی تفکر، تعقل و ارزش‌های اخلاقی است. مهم‌ترین روش‌ها براساس رهنمودهای قرآنی، روش شناختی و روش رفتاری است.

۱. از جمله بنگرید به: زمر / ۴۹، قصص / ۷۹-۸۰، آل عمران / ۱۷۸ و ۱۸۸.

۴- روش‌های قرآن کریم در توهّم‌زدایی

قرآن کریم برای زدودن انواع توهّم از دوروش شناختی و رفتاری استفاده کرده است.

۴-۱- روش‌های شناختی

روش شناختی به معنای شناخت و بررسی تفکرات انسان درباره وقایع و دیدگاه فرد نسبت به معنای زندگی است. (کهنوچی، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۳). این روش در علم تربیت، به شناخت و بررسی تفکرات انسان می‌پردازد و به چهار نوع تقسیم‌پذیر است. در ادامه هر یک از آنها بررسی شود.

۴-۱-۱- تأکید بر آینده‌نگری

نگاه تربیتی آینده‌نگری، تمامی باورها و افکار گذشته را با نظری تردیدانگازانه و بدون تحقیر بررسی نموده و موهّمی شک برانگیز بر تفکرات اقوام گذشته می‌زند و اعلام می‌کند که قابلیت تقلید را ندارد. قرآن کریم آینده‌کفاری را که برای خالق هستی شریک و همتایی برگزیده‌اند، تبیین می‌فرماید: ﴿وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَزْمَ لَّهُمْ النَّارُ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ﴾ (نحل/۶۲).

این آیه شریفه به تفکر خرافی مشرکان اشاره دارد؛ تفکری که به خداوند امری را نظیر داشتن دختر نسبت می‌دهند، حال آنکه خود از آن کراهت داشتند و به دروغ می‌پندارند که بهشت خداوند به آنان تعلق دارد. آینده‌تفکر نادرست آنان آتش دردناک دوزخ است. اعراب عصر جاهلی، داشتن فرزند دختر را برای خود بسیار شرم‌آور و دردناک می‌پنداشتند. هنگامی که به آنان بشارت داده می‌شد که فرزندی دختر به ایشان اعطا شده است، از ناراحتی و خشمناکی چهره‌شان سیاه می‌گشت^۱. از این رو فرزند دختر را به پروردگار نسبت داده، نزد خود می‌پنداشتند که فرزند پسر برای ایشان خرسندی و نیکویی را به ارمغان خواهد آورد. قرآن کریم سرانجام مشرکانی را که تفکر شریک‌پنداری را در خود

۱. بنگرید به: نحل / ۵۷.

نهادینه کرده بودند، ورود به آتشی دردناک و سوزان می‌داند که برای ایشان مهیا شده است و در آن جاویدان هستند؛ زیرا تفکر توحیدمحوری را به تفکر دوگانه‌انگاری تبدیل کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲/ ۴۰۹؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ۴/ ۲۱۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۱/ ۲۸۳؛ مغنیه، ۱۹۶۸: ۴/ ۸۱۴). این روش شناختی در آیات دیگر نیز مشهود است.^۱

۴-۱-۲- هشداردهی به آسیب‌ها

از منظر قرآن کریم، دچار شدن انسان به برخی از سختی‌ها، در راستای پرورش قوه تفکر و شکوفایی استعداد مورد تأکید است. برخی مصیبت‌ها می‌تواند سازمان فکری فرد را در هم ریخته، مانع شکوفایی استعدادهای فردی او شود؛ لذا هشداردهی نسبت به خطرات و آسیب‌های احتمالی می‌تواند عاملی برای هشیاری، بیداردلی و تعقل آدمی گردد؛ مانند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتُرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (بقره/ ۱۷۴).

این آیه شریفه تعریضی است به اهل کتاب؛ زیرا در میان آنان امور بسیاری در عبادات و جزآن بوده که خداوند آنها را حلال فرموده، ولی بزرگان و رؤسای آنان حرامش کرده بودند. می‌فرماید: علمای اهل کتاب احکام نازل از ناحیه خدا را در برابرهایی اندک فروختند، همین اختیار ثمن اندک عبارت است از خوردن آتش و فرو بردن آن در شکم و این، در نوعی از تجسم اعمال ظهور دارد. آن جرمی که از ایشان بیشتر به چشم می‌خورد روشن تراست، این است که بر این کتمان خود ادامه می‌دهند و بر آن اصرار می‌کنند. لذا عذابی دردناک در انتظار ایشان است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/ ۶۴۵).

۴-۱-۳- اصلاح نگرش

در تربیت اخلاقی، اصلاح نگرش‌ها، و عوامل زمینه‌ساز این امر، نقش بسیار مهمی

۱. از جمله بنگرید به: یونس/ ۶۸، احقاف/ ۲۸، کهف/ ۱۰۲، انعام/ ۱۰۸.

دارد. برای زدودن موانع تربیت صحیح نگرش، باید بینش واقع بینانه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی فرد پیدا شود و بفهمد چگونه خداوند متعال شایستگی‌هایی را به او اعطا کرده است. هنگامی که انسان در تفکر موهوم و نادرست خود فرورفته، روش تربیتی اصلاح نگرش به طور جامع و کامل، شناخت درست را آموزش می‌دهد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ (مائده/۷۲).

یهود، فرقه دیگری از اهل کتاب، نژاد خود را برتر و بالاتر از دیگر امت‌ها و اقوام پنداشته، خود را دوستان خداوند معرفی می‌نمایند. خداوند متعال در قرآن کریم آنان را به راستگویی فراخوانده، می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (جمعه/۶).

یهودی که خود را دوست خداوند می‌پندارد و نسبت به دیگر امت‌ها حس برتری جویی و خودخواهی را دارد، برای اثبات دوستی خود نسبت به خداوند باید دستورات او را اطاعت نماید، بنابراین خداوند به آنان می‌فرماید برای اثبات دوستی خود درخواست مرگ کنند. به واقع با این درخواست به سوی او باز می‌گردند. خداوند با این درخواست ایمان ظاهری و ادعای کذب آنان را باطل و تفکر موهومی ایشان را آشکار می‌نماید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۴۵۱-۴۵۰؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ۶/۳۵۶۷).

بدین سان روش شناختی به تصحیح نگرش نادرست و باطل اهل کتاب پرداخته، آنان را به تفکر برابری انسان‌ها در پیشگاه الهی می‌خواند و اینکه هر کس بنا بر اعمالی که در حیات دنیوی خود انجام داده، بازخواست می‌شود.

در آیات دیگر نیز به این روش تربیتی تصریح شده است.^۱

مفسران تأکید دارند تفکر نادرست و باطل انسان این است که می‌پندارد با مرگ،

۱. مائده/۱۷، بقره/۱۶۵ و ۱۴۵، زخرف/۴۵، آل عمران/۱۴۲، کهف/۱۵۲، سبأ/۳۳.

نابود و منهدم خواهد شد؛ در حالی که کسی که در راه خداوند و برای رضای او به شهادت می‌رسد، از حیات جاویدان و روزی فراوان بهره‌مند می‌گردد. همین انسان غافل می‌پندارد که شریکان موهومی، توانایی شفاعت و حمایت از او را خواهند داشت؛ اما نگرش آنان نادرست و باطل است، زیرا شفاعت و رضایت را باید تنها از خداوند طلبید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۵۱/۱۶؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ۲۰۹۳/۵؛ دروزه، ۱۴۲۹: ۲۲۷/۶).

۴-۱-۴- تشویق به واقعیت‌گرایی

آخرین روش شناختی، تشویق به واقع‌گرایی است. این روش، انسان را از خطای فکری (توهم) برحذر داشته، او را به تفکر و تأمل درباره واقعیت و حقیقت ترغیب می‌کند، ضمن اینکه در مخاطب انگیزه ایجاد نموده تا به انجام کار خوب تشویق شود و از انجام عمل ناشایست بیمناک گردد. به عبارتی دیگر، تشویق به واقع‌گرایی، انگیزه و اراده را در انسان ایجاد می‌کند تا به جست و جوی واقعیت تمایل پیدا کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارًا تِلْكَ أَمَاتُهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره / ۱۱۱).

قرآن کریم با تفکر نادرست و باطل خود برترینی اهل کتاب به مبارزه برخاسته، ادعای آنان را با تشویق و ترغیب به واقع‌گرایی باطل کرده است؛ زیرا یهود و نصاری آرزوهای فراوانی را منحصر به خودشان پنداشته، دیگر امت‌ها را از آن محروم می‌دانستند. یکی از این آرزوها، ورود به بهشت بدون انجام اعمال و دستورات الهی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۹۰/۱؛ دروزه، ۱۴۲۹: ۲۲۲/۶).

در آیات دیگر نیز این روش تربیتی دیده می‌شود.^۱

۲-۴- روش‌های رفتاری

دومین روش تربیتی که قرآن کریم از آن به عنوان ابزاری برای تربیت و تذکر بشر استفاده

۱. مائده/۷۰-۷۱، مؤمنون/۱۱۵، جاثیه/۲۱، زخرف/۸۰.

نموده، روش رفتاری است. با کاربرد این روش‌ها، خطاهای ادراکی در مقام عمل جهت‌دهی شایسته می‌شود. قرآن کریم برای تصحیح برخی توهمات، از دوروش ارائه الگوی عینی و مجازات‌دهی استفاده کرده است.

۴-۲-۱- ارائه الگوی عینی

داستان‌های قرآنی با مضمون‌هایی نظیر: گفت وگویی حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام با فرعون و قومی سرکش و عصیانگر همچون بنی اسرائیل، اصحاب کهف و رقیم، نمونه‌هایی از توهمات است که با استناد به ارائه الگوی عینی، قابل برطرف شدن است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَنَسْتَلِبْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا» (اسراء / ۱۰۱).

وجود علم به تنهایی در هدایت و راهیابی به مسیری کافی نیست، بلکه ایمان و تسلیم لازمه آن است. حضرت موسی فرعون را به حق و جدایی از ستم فرا می‌خواند، ولی فرعون پاسخی به این دعوت نداد و به توهین و سرزنش حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام پرداخت. حقی که موسی تأکید داشت، همان اقرار به یگانگی خداوند و پرستش الهی است. حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام فرستاده خداوند، مأموریت یافت که قوم بنی اسرائیل و پادشاه متکبری چون فرعون را به یگانه پرستی و ایمان به معاد فراخواند. وضعیت پیامبر الهی با معجزاتی نظیرید بیضاء، شکافتن دریا، ملخ و..، مقاومت و مخالفت فرعون با او و نسبت ساحر دادن به حضرت موسی به وضعیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، معجزه قرآنی او، اعراض مشرکان از آن حضرت و طلب کردن معجزاتی عبث و بیهوده تشبیه شده است. (سید قطب، ۱۴۱۲/۴: ۲۲۵۲؛ قرائتی، ۱۳۷۵: ۲۷۲/۵).

روش ارائه الگوی عینی تنها در یک آیه وجود دارد: «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا» (کهف / ۹).

اشاره به داستان اصحاب کهف از این روست که پروردگار تمامی جلوه‌های عالم هستی را در نظر بشر به منظور امتحان جلوه داده، پس از اندک زمانی همه آن موارد را نابود می‌کند. داستان اصحاب کهف که سال‌های بسیار طولانی را در خواب به سر بردند، در

حالی که در نظرشان نیمی از روز بوده، نشانه این موضوع بسیار مهم است که انسان در این دنیایی که به آن دل بسته و غرق در لذات مادی و پوچ آن گشته، در خواب غفلت است و روز رستاخیز، واقعیت در مقابلش قرار می‌گیرد. به عبارتی بهتر، این قصه قرآنی الگویی است برای انسان‌هایی که در غفلت دنیایی فرورفته‌اند و هنگام برپایی رستاخیز پرده‌های جاهلیت آنها کنار می‌رود. (دروزه، ۱۴۲۹: ۵/۵۵).

۴-۲-۲- مجازات دهی

یکی دیگر از روش‌های تربیتی، روش مجازات دهی است. هنگامی که فرد به خطای ادراکی دچار گردد از دستورات الهی سرپیچی می‌کند. لذا خداوند او را مجازات می‌کند. یونس نبی علیه السلام از پیامبرانی است که مجازات الهی بر او محقق شد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (انبیاء/۸۷).

یونس نبی به دلیل خروج از میان قوم سرکش، مستحق خشم و غضب الهی شد. خداوند او را در درون شکم ماهی قرار داد تا نتیجه حرکت عجزلانۀ خود را مشاهده نماید و دریابد که کیفی سخت در انتظار اوست. او با اقرار به گناه در پیشگاه خداوند از ادامه مجازات نجات یافت. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۲/۴۸۸؛ قرائتی، ۱۳۷۵: ۵/۴۸۹؛ سید قطب، ۱۴۲۹: ۴/۳۸۲).

این روش تربیتی در آیات دیگر نیز وجود دارد^۱

نتیجه‌گیری

در این پژوهش پس از بررسی مطالعات انجام گرفته، این نتایج به دست آمده است:

۱. انسان، تنها موجودی است که پروردگار یکتا با اعطای نعمت‌های فراوانی نظیر: قوای تفکر، تعقل و خیال، او را از دیگر موجودات متمایز ساخته، تا با بهره‌برداری درست

۱. از جمله بنگرید به: حشر/۲، کهف/۵۲؛ انعام/۴۳؛ تغابن/۷.

از این قوا به سعادت و رستگاری رهنمون شود. هرگاه انسان از این نعمت‌های الهی به صورت نادرستی استفاده نماید به خطای ادراکی دچار گشته، افعال ناشایستی از او صادر می‌شود. در قرآن کریم واژه «وهم» به کار نرفته است؛ اما واژگانی نظیر، ظن، حسب و زعم در برخی از لایه‌های معنایی مشمول مفهوم توهم می‌شوند.

۲. طیف توهم، گونه‌های توهمات است که انسان ممکن است به دلیل خطای ادراکی به آنها دچار شود؛ مانند: توهم دانایی، توهم دوگانه‌انگاری در ربوبیت، بیهوده‌انگاری آفرینش، نگرش دنیاپسندگی، خودبرتربینی و توهم رستگاری.

۳. قرآن کریم به عنوان آخرین نسخه‌ی هدایت بشری و آکنده از اندیشه‌های تربیتی، هرآنچه را که انسان برای نیل به بهروزی و سعادت‌مندی آخرت لازم دارد به روشنی بیان می‌کند. مهم‌ترین رهنمودهای قرآنی مبتنی بر روش‌های شناختی و رفتاری است. روش شناختی، به بررسی رابطه فرد با رویدادها و روش رفتاری راه‌حل‌های عملی مربوط به عملکردهای انسان را بررسی می‌کنند. روش شناختی شامل: تأکید بر آینده‌نگری، هشداردهی به آسیب‌ها، اصلاح نگرش و تشویق به واقع‌گرایی است. روش رفتاری شامل ارائه الگوی عینی، با ذکر داستان‌های قرآنی، همانند داستان اصحاب کهف و رقیم و مجازات‌دهی، مشمول اشخاص سرکشی است که دستورات الهی را نادیده انگاشته‌اند.

منابع

- * قرآن کریم.
۱. ابن درید، محمد بن حسن، *جمهرة اللغة*، دار العلم للملایین، بیروت، بی تا.
 ۲. ابن عربی، ابو عبدالله محیی‌الدین محمد، *فتوحات مکیه*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.ق.
 ۳. ابن فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق، عبدالسلام هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ هـ.ق.
 ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ.ق.
 ۵. ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، تحقیق عمر سلامی و عبدالکریم حامد، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
 ۶. پورافکاری، نصرت الله، *نشانه‌شناسی بیماری‌های روانی*، آزاده، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۹۴ ش.

۷. جعفری، محمد تقی، *شناخت از دیدگاه قرآن و از دیدگاه علمی*، دفتر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ه.ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، اسراء، قم، بی تا.
۹. جوهری، اسماعیل بن احمد، *الصاحف فی اللغه*، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه.ق.
۱۰. حسن زاده آملی، حسن، *شرح العیون فی شرح العیون*، بوستان کتاب، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۱. دروزه، محمد عزه، *تفسیر الحدیث ترتیب السور حسب النزول*، دارالغرب الاسلامی، تونس، چاپ سوم، ۱۴۲۹ ه.ق.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی الفاظ القرآن*، دارالقلم، بیروت، ۱۳۷۹ ه.ق.
۱۳. سهرابی فر، محمد تقی، *علم، ظن و عقیده*، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ اول، بی تا.
۱۴. سهروردی، یحیی بن حبش، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، با تصحیح و مقدمه هانری کربن، و حسین نصر، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، چاپ دوم، بی تا.
۱۵. شیرازی، صدر المتألهین، *الأسفار الاربعه*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۱ م.
۱۶. طالقانی، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، شرکت سهامی انتشار، بی جا، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ ه.ش.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ه.ش.
۱۹. طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه سبّطین، قم، ۱۳۸۶ ه.ش.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرایی، دارالهجره، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۲۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحیط*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۲۲. _____، *القاموس المحیط*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۲۳. فیومی، احمد بن محمد، *مصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، دارالهجره، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۲۴. قرآنی، محسن، *تفسیر نور*، مؤسسه در راه حق، بی جا، ۱۳۷۵ ه.ش.
۲۵. قطب، سید شاذلی، *فی ظلال القرآن*، دارالشروق، قاهره، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ ق.
۲۶. کهنوجی، مرضیه، «اختلال افسردگی عمده و آموزه های قرآنی»، *فصلنامه طب و تزکیه*،

- ش ۲، ۱۳۹۴ ش.
۲۷. مدزسی، محمد تقی، *تفسیر هدایت (هدی من القرآن)*، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۷ ش.
۲۸. مصطفوی تبریزی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲۹. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار (انسان و ایمان)*، صدرا، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲ ش.
۳۰. مغنیه، محمد جواد، *الکاشف*، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۶۸ م.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تحقیق احمد علی بابایی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۲ ش.